

## داستان مبارزه برای بقا

«مرزهای خاموشی» به روایت سازنده‌اش



امید هاشم‌لو

مستند «مرزهای خاموشی» یک دوره بحرانی از زندگی یک هنرمند را روایت می‌کند. همایون مجزاده، نوازنده گیتار و سرپرست گروه موسیقی «کپت‌میان»، در آستانه میانسانی و در کشمکش با احساس شکست و تلف شدن عمر است. با وجود فعالیت رسمی، محدودیت‌های موسیقی موانع بسیاری برایش ایجاد کرده که می‌خواهد آنها را از سر راه بردارد. «مرزهای خاموشی» داستان مبارزه او برای بقاست.

من به همراه فیلمبردار پروژه، پویان کفیلی، گروه دونفره‌ای بودیم که از پاییز ۹۴ تا زمستان ۹۷ با کاراکتر فیلم همراه شدیم و بخش اصلی فیلمبرداری در این مدت انجام شد. بعد از یک وقفه طولانی در ۱۴۰۰ ارف‌کات آماده شد. این فیلم یک مستند موسیقی است و قطعات بسیاری در فیلم شنیده می‌شود. موسیقی توسط همایون مجزاده ساخته شد که ضبط و میکس آن مدت زیادی طول کشید. بعد هم نوشتن نریشن و ضبط آن و در نهایت صداگذاری توسط مهرشاد ملکوتی که آخرین تغییراتش همین امسال انجام شد. مدت نهایی فیلم ۸۰ دقیقه است.

موسیقی راک و متال به ندرت مجال حضور در جشنواره‌ها را پیدا کرده و این زانر با محدودیت‌های بسیاری مواجه بوده و چندان شناخته‌شده نیست. این صدای متفاوتی است که باید شنیده شود و حضور در جشنواره فجر می‌تواند این امر را تحقق بخشد.

فیلم‌های مستند اسناد تاریخی و منبعی برای شناخت جامعه هستند که مورد استفاده همه تولیدکنندگان آثار هنری و همچنین سایر رشته‌های سینمایی قرار می‌گیرند و از این نظر شایسته توجه و تدبیر هستند. جوایز بیشتر از همه نمایانگر رویکرد مدیران و سلیقه داوران است و در یک نگاه کلی معیارهای مسطر دوره‌ای را بازتاب می‌دهد.

۲ سال پیش نسخه بلندتری از فیلم را آماده کرده بودم ولی بعد از ثبت نام از شرکت در «سینماحقیقت» منصرف شدم. امسال نیز نسخه نهایی فیلم با تغییراتی آماده شد اما چون قبلاً ثبت نام صورت گرفته بود، امکان حضور نداشت. خوشبختانه فیلم به چهل و سومین جشنواره فیلم فجر راه یافت. این جشنواره، رویداد تخصصی فیلم مستند نیست و مخاطب گسترده‌ای دارد که می‌تواند زمینه آشنایی افراد بیشتری با این موسیقی و موزیسین‌های فعال آن را فراهم کند. امیدوارم «مرزهای خاموشی» در ذهن تماشاگران فجر بماند.



### فیلمه پناهنده

اشکان رهگذر برای نخستین بار انیمیشن «آخرین داستان» را ساخت؛ انیمیشنی که به گفته این کارگردان خوب دیده نشد. «ژولیت و شاه» دومین انیمیشن بلند سینمایی رهگذر به حساب می‌آید و او قصد دارد تور اکران‌های خارجی این انیمیشن را از سال آینده شروع کند. رهگذر قرار است «گنج اژدها» را هم بسازد. او می‌گوید: «همیشه

**گفت وگوبا اشکان رهگذر، کارگردان انیمیشن «ژولیت و شاه»**

# داستان تاریخی با رنگ‌های فانتزی



انیمیشن «ژولیت و شاه» در آمیخته با داستانی تاریخی است و توانسته بارگه‌های فانتزی‌ای که دارد، داستان را برای تماشاگر جذاب کند؛ از این درهم آمیختگی شخصیت‌های تاریخی و فانتزی بگوئید. تاریخ همیشه یکی از مؤلفه‌های کارهای من بوده است؛ وقتی به هر ایده‌ای فکر می‌کنم، به نوعی در آن ایده تاریخ هم وجود دارد و داستان انیمیشن یکی از لایه‌های تاریخ کهن، اسطوره‌ای و معاصر را در خود دارد. دلیل آن این است که ما در یک مملکت تاریخی با قدمت چندین هزار ساله زندگی می‌کنیم که گنجینه‌ای از پشت سر داریم و نمی‌توانیم فقط به روبرو نگاه کنیم. تاریخ برایم مهم است و این عادت است که از استناداتی چون علی رفیعی و بهرام بیضایی یاد گرفتیم. البته من صرفاً بازگو کننده داستان تاریخی نیستیم؛ اگر اینطور بود باید مستند می‌ساختیم. در ساخت انیمیشن‌ها همیشه تخیل و خلاقیت را دخیل و آن واقعه را از صافی خود رد می‌کنم تا به یک داستان و قصه جدید برسیم. در «ژولیت و شاه» نیز شخصیت پردازی، فانتزی و تخیل ماهیت و روح انیمیشن است که وقتی با هم همنشین شدند، این انیمیشن خلق شد.

بعد از «آخرین داستان» قرار بود «گنج اژدها» را بسازید. بعد از «آخرین داستان» قرار نبود «گنج اژدها» ساخته شود؛ از همان ابتدا تصمیم من ساخت انیمیشن «ژولیت و شاه» بود. ما «گنج اژدها» را وقتی که «ژولیت و شاه» پس از پیش تولید وارد مراحل تولید شد، شروع کردیم و وارد مراحل توسعه انیمیشن شدیم؛ چون این انیمیشن در جشنواره انسی پذیرفته و خیر آن بخش و زودتر به معرفی شد. «گنج اژدها» سومین کار بلند ما در استودیو هورخش خواهد بود.

در پروسه تولید انیمیشن‌ها در ایران بزرگ‌ترین مشکل جذب سرمایه‌گذار است؛ شما گرفتار این چالش نشده‌ید؟ همیشه جذب سرمایه‌گذار بزرگ‌ترین چالش برای ساخت انیمیشن در ایران بوده و هست. البته این موضوع دامن ما را هم گرفته است؛ شرکتی که بخشی از سهام شرکت ما را داشت، قبول کرد تا در ساخت انیمیشن سرمایه‌گذاری کند اما به واسطه برخی مدیریت‌ها مشکلاتی پیش آمد و ما ۲سال درگیر حل مشکلات بودیم و خوشبختانه با مدیریت جدید،

## شرکت در آزمون تارکوفسکی شناسی



ناهید پیشپور

فیلمساز ناراضی روس و کارگردان ارمنی تباری که تنها ۴ فیلم سینمایی در کارنامه داشت، و هر دو به صفت نخبه‌گرایی شناخته می‌شدند، در جشنواره‌های ششم و هفتم برای تماشاگر ایرانی معارفه شدند. نمایش فیلم خارجی جشنواره فجر را به رخدای هیجان‌انگیز برای تماشاگری تبدیل کرد که خواننده تنها نشریه سینمایی آن سال‌ها بود. در تصاویری که از صف‌های جشنواره ششم و هفتم ثبت شده، دست تعدادی از افراد کتاب‌های یایک احمدی یا ماهنامه فیلم به چشم می‌خورد. تماشاگران قبل از تماشای فیلم‌های تارکوفسکی و پاراجانف درباره‌شان می‌خواندند تا به درک بهتری از آثار این کارگردان‌ها برسند؛ چنان‌که گویی آماده شرکت در آزمون تارکوفسکی و پاراجانف‌شناسی می‌شوند.

در دوره ششم برای نخستین بار در تاریخ برگزاری جشنواره فیلم فجر، بخش ویژه‌ای به یک فیلمساز اختصاص می‌یابد؛ بخشی که محصول نگاه ویژه مدیران سینمایی وقت به این فیلمساز است و اقبال تماشاگران جشنواره که محصول توجه رسانه‌ای (ماهنامه فیلم به‌عنوان تنها مرجع سینمایی قابل اتکا در آن سال‌ها) و انتشار کتابی درباره فیلمساز به تألیف بابک احمدی هم‌زمان با برپایی دوره ششم است. اهمیت این توجه ویژه در سال‌های بعد و با سرمشق قرار گرفتن آثار این کارگردان (که به‌عنوان الگوی سینمای مطلوب مورد توجه بنیاد فارابی به‌عنوان مغز متفکر و یازوی حمایتی سینمای ایران قرار گرفته) توسط فیلمسازان داخلی، مشخص می‌شود؛

فیلم‌هایی که قرار بود برای تماشاگر ایرانی سلیقه و برای کارگردان وطنی الگو بسازد و نتیجه‌اش فیلم‌های عرفانی سینمای ایران در نیمه‌دوم دهه ۰۰ عبود. با چنین پس‌زمینه‌ای بخش «امید، اپنار، دنیای آندره تارکوفسکی» به اتفاق ویژه جشنواره ششم تبدیل می‌شود.

صف‌های طولانی مقابل سینماهای نمایش‌دهنده فیلم‌های تارکوفسکی، نشان داد که مخاطب جشنواره همسو با تصمیم برگزارکنندگان کنجکاو تماشای فیلم‌های فیلمساز نخبه‌گر ناراضی روس است؛ استقبالی که مهر تأیید بر تصمیم سیدمحمد بهشتی مدیرعامل وقت بنیاد فارابی زد. اینگونه بود که نمایش «کودکی ایوان»، «آندره رولیف»، «سولاریس»، «اپنه»، «استاکر»، «وستالگیا» و «پنار» با استقبال پرشور مخاطبان فجر مواجه شد. بوروش شاید امروز سخت باشد ولی هیجان انگیزترین اتفاق جشنواره ششم برای علاقه‌مندان جدی سینما، همین نمایش فیلم‌های تارکوفسکی بود.



بخش‌هایی از این انیمیشن موزیکال بود؛ موزیکال بودن از همان ابتدا در ذهن تان بود یا به تبع موفقیت انیمیشن‌های خارجی این کار را انجام دادید؟

بخش‌هایی از «ژولیت و شاه» قرار بود از همان ابتدا موزیکال باشد، حتی در لحظه نگارش فیلمنامه نیز بخش‌هایی که باید ترانه خوانده شود، خالی گذاشته شد که با بخش موزیکال، کاراکتر و قصه پیش برود. ما آثار شاخص زیادی در دهه‌های مختلف داشته‌ایم که به شکل موزیکال ساخته شده‌اند.

میثم یوسفی، ترانه‌سرای مستعد، دلسوز و نام‌آشنایی است که ترانه‌ها را مبتنی بر قصه و شخصیت‌ها نوشت.

چه پیش‌بینی‌ای برای اکران جشنواره و اکران عمومی فیلم دارد؟

مهم‌ترین بخش در جذب مخاطب کار تبلیغاتی و حضور بخش‌کننده ماهر است. تا امروز با توجه به کارهای تبلیغی باخورد‌ها مثبت بوده و به‌نظرم در اکران عمومی هم «ژولیت و شاه» دیده می‌شود؛ چرا که این انیمیشن تنها برای کودکان نیست و اگر مخاطبان فیلم را ببینند، این بزرگ‌ترین رکن کارهایم است و بهترین جایزه را از آنها می‌گیرم. البته کلیه امتیاز فروش در داخل و خارج کشور به شرکت سرمایه‌گذار واگذار شده است اما بخش جشنواره‌ها را خودمان انجام می‌دهیم. از ابتدای سال آینده تور جشنواره‌های بین‌المللی «ژولیت و شاه» آغاز می‌شود.

امسال ۴ انیمیشن در جشنواره فیلم فجر حضور دارند. رقابت را چطور می‌بینید؟

واقعیت این است که من در جشنواره‌های ایران و اکران انیمیشن در ایران موقعیت را رقابتی نمی‌بینم؛ نه اینکه خودم کار خاصی انجام نداده باشم، بلکه به‌خاطر اینکه هر اندازه هر انیمیشن در ایران اکران شود بیشتر خوشحال می‌شوم. انیمیشن در ایران مطلوب است و هر اندازه به آن توجه شود باعث افزایش تولیدات خواهد شد و به‌دنبال آن آموزش انیماتور بیشتر می‌شود. این موضوع برایم مهم است. در جشنواره هم خود سیمیرغ برایم مهم نیست، دوست دارم انیمیشنی که سال‌ها گروه‌های مختلف برایش تلاش کرده‌اند دیده شود.

مشکلات حل شد و کار پیش رفت، اما از ۶سالگی که صرف تولید شد، ۲سال آن را درگیر حل مشکلات مالی بودیم.

از پروسه ساخت این انیمیشن بگوئید و از حضور انیماتورها. چند نفر درگیر پروژه سینمایی بودند؟ در ایران چقدر انیماتور حرفه‌ای وجود دارد؟

درباره پروسه ساخت انیمیشن باید بگویم که بیش از ۵سال طول کشید و همانطور که گفتیم ۲سال درگیر حل کردن مشکلات سرمایه بودیم و امیدوارم کار بعدی سریع‌تر ساخته شود. در این انیمیشن انیماتورها هیچ کدام تجربه حرفه‌ای نداشتند؛ گروهی از انیمیشن «آخرین داستان» مانده بودند و گروهی نیز مهاجرت کردند و البته ما هم با گروهی قطع همکاری کردیم. اما نکته قابل توجه گروهی بودند که به ما اضافه شدند و برای آنکه در روند حرفه‌ای‌تری قرار بگیریم، آموزش ضمن کار را شروع کردیم. انیماتورهای زیادی جذب شدند و ضمن کار آموزش هم می‌دیدند و این خودش یک سرمایه انسانی است. در استودیو فرایند جذب و آموزش را داشتیم و در این کار ۵۰۰ هنر به اشکال مختلف همکاری کردند که ۹۰درصد آنها ضمن کار آموزش دیدند. باید بگویم علاوه بر جذب سرمایه، مهم‌ترین چالش در انیمیشن ایران سرمایه انسانی است.

انتخاب حامد بهداد برای صداپیشگی در این پروژه و دیگر دوبلورها به چه شکل بود؟

حامد بهداد تجربه زیادی در دوبله دارد و سال‌هاست در این حوزه کار می‌کند و ما سابقه همکاری با وی را در انیمیشن «آخرین داستان» هم داشتیم. در یک دیدار به شکل اتفاقی متوجه کاراکتر خاصی که ساخته بود، شدم و دیدم با شخصیت ما هماهنگ است و به واسطه صدای خوبی که دارد، از او خواستیم خودش هم ترانه‌های مربوط را بخواند. دیگر دوبلورها همگی حرفه‌ای و جوان هستند که با مدیریت امین قاضی انتخاب و به پروژه اضافه شدند. ما یک تیم می‌خواستیم با صداهای آشنا و مجرب که وقت و انرژی کافی هم داشته باشند. در دوبله تصویری هم نداشتیم و صداها روی استوری برد بود. یکی از شانس‌های بزرگ ما حضور آقای نصرالله مدقالجی بود که سایه کسوت ایشان در گروه صدا یک شانس بزرگ برای ما بود.